

چه حاصل از آین بهار؟!

صادقانه کار کنیم.

حسن ختام کلام، خطاب به جوانانی است که مخاطبان اصلی مجله ما هم هستند. شما جوانان با آمدن بهار، دو بهار را تجربه می‌کنید، بهار طبیعت و بهار جوانی. تلاش کنید قدر بدانید هر دو بهار را. شما بهارهای زیادی را پیش رو دارید که غنیمتی است برای رسیدن به قله‌های اقتدار، به شرطی که همت کنید برای آبادانی کشور و هموعان خودتان، به شرط اینکه منتظر نباشید دیگری پیشقدم باشد برای آغاز، به شرط اینکه این احساس در شما نباشد که مسئولیت پیشرفت جامعه و کشور فقط به عهده دولت‌مداران است، به شرط اینکه همیشه در ذهن‌تان باشد که اگر «من» پیشقدم نشوم، ممکن است «او» هم پیشقدم نشود، به شرط اینکه...

امید آنکه «من» و «تو» همیشه «ما» بشویم که این کشور به «ما» شدن نیاز شدیدی دارد.

اما یاران باوفا و باصفای مجله، سال ۸۸ هم با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش به پایان آمد و این شماره، آخرین مجله در سال ۸۸ است که تقدیم شما می‌شود. یک سال با نظرات و انتقادات سازنده و سلیقه‌های متفاوت شما و شاید بدسلیقگی ما به سر آمد، اما کوشیدیم در حد توان رضایت خاطر اکثریت شما را فراهم کنیم.

افتتاح صفحات جدید، حذف برخی صفحات، توبتی کردن چاپ برخی صفحات دائمی و ... همه و همه به خاطر این بود که مجله را از یکنواختی تام و تمام دور کنیم تا به خواست گروه زیادی از شما پاسخگو باشیم، اما در این میان، حتماً نتوانسته‌ایم خواسته‌های تعداد دیگری از خوانندگان را هم برآورده سازیم، و این شاید امری طبیعی باشد، چرا که مخاطبانی با سلیقه و نظرات مختلف داریم، اما تلاش می‌کنیم حرکت ما به خواسته‌های اکثریت خوانندگان نزدیکتر باشد.

یک نکته را هم لازم می‌دانم به صراحت بگویم: تلاش ما در مجله جوانان این است که از سطحی‌نگری، چاپ هر مطلب پیش‌پا افتاده، جذب مخاطب به هر بهانه‌ای و چاپ مطالبی که صرفاً جنبه سرگرمی داشته باشد، خودداری کنیم و بیشتر هدف این بوده و هست که حداقل ۵۰ درصد مطالب مجله، کاربردی در زندگی شما داشته باشد، بیان مشکلی از مشکلات اجتماع را در پی داشته باشد، معضلات و مسائل اجتماعی را در قالب طنز، شعر، گزارش و ... بیان کند، آداب و رسوم اجتماعی نادرست جامعه را به نقد بکشد و ... در یک کلام مخاطبان جوان مجله را فقط با یک نشوینده صرفاً سرگرم کننده و عامه‌پسند مشغول نکنیم که وظیفه رسانه‌های همگانی، فراتر از این امور است، هرچند این وظیفه خطیر با ظهور و بروز خیلی از نشریات زرد، به فراموشی سپرده شده و ذائقه مخاطب ایرانی را به سمت و سوی سوق داده است که متأسفانه کمتر راغب پی‌گیری و مطالعه مباحث جدی تحلیلی در نشریات هستند.

ما می‌خواهیم از این مسیر فاصله بگیریم، شما هم یاریمان کنید تا با هم در این مسیر گام برداریم. پیشاپیش آیام خرم سال جدید را صمیمانه به شما و خانواده محترم، شادباش می‌گویم و برایتان سعادت و شادکامی از خداوند می‌خواهم.

آیام به کام

محمّدولی سهرابی اسمروود
دوازدهم اسفندماه هشتاد و هشت

به منصفه ظهور رسید و این فرهنگ تحول در جامعه نهادینه شد، آنگاه می‌توان انتظار داشت چنین جامعه‌ای به سوی کمال و پیشرفت گام برخواهد داشت.

خداوند می‌فرماید: ما سرنوشت هیچ قومی را عوض نمی‌کنیم، مگر آنکه خود بخوانند و اراده کنند که سرنوشتشان را عوض کنند. تغییر سرنوشت و حرکت به سوی کمال و ترقی، در گرو تحول تک‌تک افراد جامعه است. اگر دنبال این تحول هستیم، بهار بهانه خوبی است برای این حرکت. سال گذشته نوشتیم، بهار، یعنی بسم... و بسم... یعنی حرکت، یعنی کار و تلاش، یعنی همکاری برای ساختن کشوری آباد، یعنی نهراسیدن از مشکلات راه برای نیل به آرمان‌های بلند، یعنی سهیم شدن در آبادانی کشوری که دوست داریم مدینه فاضله باشد برای زندگی.

مدینه فاضله را انسان‌های فاضل، دانشمند، کارگران و پزشکان ماهر، معلمان و اساتید توانمند، کارمندان دلسوز و با وجدان، مدیران برنامه‌ریز و سخت‌کوش، رانندگان مقید به قوانین راهنمایی و رانندگی، کشاورزان و باغداران تلاشگر و توانا، هنرمندان و نویسندگان متعهد و خوش‌فکر، مهندسان عالم و عاقل، جوانان پرتوان و فداکار و خلاصه، شهروندان همه فن حریف، اما سرشار از شور و شوق خدمت به جامعه و کشور می‌سازند.

اگر سهم «من» و «شما» از بهار، حداقل بخشی از این مجموعه بی‌پایان انسان‌های ساکن در مدینه فاضله خیالی باشد، یقیناً رسیدن به شهر آرمانی و مدینه فاضله واقعی دور از دسترس نخواهد بود. اما اگر چنین ایده و انگیزه‌ای در وجود من و شما نباشد که برای رسیدن به چنین جامعه ایده‌آلی باید با هم تلاش کنیم، نه تنها به چنین مدینه فاضله‌ای نخواهیم رسید، بلکه از داشته‌ها و اندوخته‌های پیشینیان خود نیز فاصله خواهیم گرفت.

جامعه امروز ما به مردان و زنان عمل‌گرایی نیاز دارد که احساسشان این باشد بدون تلاش جمعی، بدون روحیه فداکاری، هیچ ملتی شاهد موفقیت را در آغوش نخواهد کشید.

به گواهی تاریخ، ملت‌هایی در پیچ و خم تاریخ بشری به استقلال، پیشرفت و ترقی رسیده‌اند که شهروندانشان روحیه خدمت، سخت‌کوشی و تلاش همه جانبه را وجهه همت داشته‌اند و مهمتر از همه، ذهن و فکرشان نخست، کوشش برای سربلندی کشور، سپس نهاد یا اداره‌ای که در آن مشغولند و در درجه سوم، خود و منافع شخصی‌شان بوده است، چرا که در صورت تحقق آرمان اولیه، رسیدن به دو مورد دیگر سهل و آسان خواهد بود که متأسفانه باید قبول کنیم در جامعه ما این هرم وارونه است و همتی باید که این تفکر غلط از ذهن‌ها و فکرها زدوده شود تا همه بپذیریم برای رسیدن قله‌های پیشرفت و اقتدار باید همه‌مان

باز دیگر دوره کردیم شب را و روز را و هنوز را و وقتی یک سال پیش می‌نوشتیم «بهار، یعنی بسم...» گویی عمر نوح می‌خواست که ۳۶۵ شبانه‌روز را با نام خداوند لیل و نهار آفرین، آغاز کنی و به پایان ببری، ولی چه زود گذشت سال نو، با امیدهای نو و اگر نبود همین امیدهای نو، گذر آیام، روزهای پر بادرفته‌ای را می‌ماند که در نظر سطحی‌نگران بخشی از آن را پاییز غارتگر درهم ریخته، بخشی را سرمای دی به نابودی کشانده و شاید هم کولاک بهمنی زیر پای خود فشرده است و با این دیدگاه، شاید هیچ حاصلی از آمد و شد بهار نصیبمان نشده باشد، اما با امید نوست که می‌توان امیدوار بود همه این غارتگری‌ها، نابودی و فسردگی با مدد دم مسیحایی بهار، به نشاط، سرزندگی و جوش و خروش دوباره تبدیل می‌شود.

بنابراین، با سلام بهار به طبیعت و آفرینش، گویی ما نیز سلامی دوباره به زندگی می‌گوییم و همین سلام‌های مکرر است که جوش و خروش را به روح و تن فشرده آدمی بازمی‌گرداند و رستاخیزی همزمان در کائنات و وجود آدمی بروز و ظهور می‌یابد و هر سال به نام خداوند بهار آفرین، زندگی را از سر می‌گیریم اما کمتر از خود می‌پرسیم در این گردش آیام، چه گلی بر سر خویش، جامعه و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، زده‌ایم!

مگر بهار، فرحبخش جان و جهان نیست؟ وقتی جهان با نسیم بهار غبار خمودی و خموشی را از تن برون می‌کند و به جنبش درمی‌آید، دل و جان ما نباید با این قافله همساز شود؟! چرا که به قول مولانا:

کانچه با برگ درختان می‌کند
با دل و جان شما آن می‌کند
به نظر من دعای تحویل سال، جامعترین، کاملترین و گویاترین دعایی است که اگر هر یک از ما، با تأمل و تعقل در معنا و مفهوم، دعا را بخوانیم و فقط لقلقه زبانمان نشود، و در عمل به آنچه زمزمه می‌کنیم، پایبند باشیم، آن تحولی که نیاز روح ما، جامعه و کشور ماست، به آن دست خواهیم یافت. وقتی می‌گوییم «حول حالنا الی احسن الحال» یعنی می‌خواهیم با تحول مثبت در احوال خودمان، تغییرات مثبت در همه شئونات زندگی‌مان ایجاد کنیم و اگر این تحول واقعی در وجود ما به وجود آمد، در اطرافیان ما نمود عینی و عملی یافت، در محیط کار و تلاش



دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی‌شناسد مگر کسی
که آن را از دست داده باشد، یکی جوانی و دیگر تندرستی
و عاقبت است.

— حضرت علی(ع)